



مساله عفت در جامعه و فرهنگ ایرانی



افشین طباطبایی
پژوهشگر مسائل اجتماعی

هر کشوری اصول، ضوابط و هنجارهای خاص خود را دارد که نشأت گرفته از فرهنگ، مذهب و تاریخ مردمان آن سرزمین است. در اغلب جوامع، بسیاری از اصول و ضوابط حاکم در جوامع مختلف ماهیتی نزدیک به هم دارند، ولی برخی از اصول که گاهی در قوانین رسمی و جاری کشورها نیز ظهور می‌یابد خاص همان جامعه است. بیشتر قوانین نوشته‌شده عرفی، شرعی و اخلاقی رابطه مستقیمی با فرهنگ، مذهب، سنت و در یک کلام باورهای مردمان دارد. از جمله موضوعاتی که حفظ آن یک هنجار و عده پایبندی به آن نوعی ناهنجاری یا هنجارشکنی قلمداد می‌شود، مسأله حجاب بانوان است. حجاب نیز همچون برخی دیگر از فرآیندهای اجتماعی نظیر عزاداری در عاشورا، روزه‌داری در ماه مبارک رمضان و امثالهم پیش از آن که چهره‌ای حکومتی به خود بگیرد ریشه در باورها، فرهنگ، سنت و تاریخ ایران دارد.

برخی از باورهای سنتی در برخورد با جریانات پرشتاب دنیای امروز، به‌ویژه از طریق گسترش شبکه‌های اطلاعاتی و اجتماعی مجازی یا ماهواره، مورد هجوم و در نتیجه آسیب‌های شناختی و تخریبی قرار می‌گیرند که به نوبه خود شرایط رشد نوعی پارادوکس اعتقادی و فرهنگی را زنده‌نسل جوان فراهم کرده است. عدم وجود تعریفی مشخص و معین از حجاب در قانون اساسی خلأیی را ایجاد کرده که می‌تواند زمینه‌ساز بروز برخی ناهنجاری‌ها در این حوزه باشد. تعاریف نسبی که از حجاب در جامعه وجود دارد هم غالباً بر خاسته از دیدگاه‌های متنوع علما و دست‌اندرکاران حاکم است. موضوع مهم این است که با مسأله حجاب نمی‌توان همانند قوانین کیفری یا دیگر جرایم که تعریف مشخصی دارند، برخورد کرد چون پتانسیلی قانونی در این زمینه وجود ندارد و رویکرد قانون هم به موضوع حجاب شفاف نیست. تنوع سبایق در شکل‌گیری انواع و اقسام گونه‌های حجاب نقش بازی در آن، جامعه ایرانی را در مقطع حساسی از تاریخ اجتماعی

دستاورد را خواهد داشت، ولی انجام امور با دستور العمل، آیین‌نامه، تذکر، فشارهای خانواده و نهایتاً ترس، نمی‌تواند ظرفیت‌های درونی فرد را در حمایت و پاسخ صحیح به آن خواسته جلب کند. نمی‌توان جلوی پیشروی آب را گرفت، فشار و جرایم آب بعد از مدتی هر مانعی را دور می‌زند. شاید به‌طور مقطعی حرکت‌هایی در جهت تحکیم ضوابط حجاب صورت گیرد ولی به‌طور قطع نتیجه‌ای دایمی و پایدار نخواهد داشت.

تنها راه تجارت و سوق دادن دختران به سمت پذیرش حجاب به‌عنوان یک هنجار اجتماعی، صرفاً فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی در جهت بالابردن بینش و تفکر است،

خود قرار دارد (در حال گذر بودن از سنت به مدرنیته) و اگر در مسیر این گذار اجتماعی نتوانیم با تعریف‌های صحیح و به‌روز شده، مسائل و هنجارهای فرهنگی (از جمله حجاب و...) و همچنین نیاز فضاهای خالی شده‌ای که تا مشارب آرا به‌وجود می‌آیند روبرو کنیم، قطعاً بسیاری از باورهای سنتی جامعه دچار آسیب و تخریب می‌شوند. پتانسیل ذاتی فقه شیعه امکان پاسخ مناسب به بسیاری از کاستی‌های اجتماعی را دارد، بهترین کاری هم که می‌توان در کوتاه‌مدت و میان‌مدت انجام داد، فعالیت‌های فرهنگی در جهت تعمیق باورها و انگیزه‌های درونی افراد و تغییر نگاه آنان نسبت به حجاب به‌عنوان هنجاری اجتماعی است. از منظر علم اخلاق، اگر هر کاری را انسان با خواست قلبی و میل درونی خود انجام دهد بالاترین نتیجه و

• از منظر علم اخلاق، اگر هر کاری را انسان با خواست قلبی و میل درونی خود انجام دهد بالاترین نتیجه و دستاورد در خواهد داشت، ولی انجام امور با دستور العمل، آیین‌نامه، تذکر، فشارهای خانواده و نهایتاً ترس، نمی‌تواند ظرفیت‌های درونی فرد را در حمایت و پاسخ صحیح به آن خواسته جلب کند

• عفت و داشتن حجاب امری تربیتی است که پایه‌های آن در کانون خانواده گذاشته می‌شود. ساختار روابط والدین و تربیت خانوادگی در تثبیت فرهنگ عفت و نهادینه کردن آن در اندیشه و روح افراد، نقش اصلی و عمده را ایفا می‌کند. تبیین دایمی فلسفه عفت و حجاب در زندگی فردی و اجتماعی و گسترش آن در جامعه و میان آثار و نتایج سوء عدم رعایت عفت و هذب‌ان آرا بی‌حجابی امری ضروری است.

مقصد دشمنان در ترویج فرهنگ برهنگی به‌عنوان یکی از روش‌های تهاجم فرهنگی همواره در صدر نگرانی‌های روشنفکران و دلسوزان نظام بوده است. در ترویج عفت و حجاب باید بر فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و تبلیغی تأکید شود. فضای اجتماعی و فرهنگی جامعه و محیط باید به نحوی ساخته شود که افراد به صورتی طبیعی در آن فضا به رعایت عفت و حجاب رغبت و بدان عادت کنند. به‌خصوص مسئولان و مدیران از اعمال کارهایی که اسباب بدبینی به اسلام و نظام اسلامی شود، جدا برهیز کنند. در توسعه فرهنگ عفت و حجاب نباید تنها زنان، مخاطب قرار گیرند و نقش و مسئولیت مردان

چند پرسش از جهان بهتر (بخش اول)

سیدعلی حسینی | پژوهشگر

حاصل یک نوع جبر و اتفاق می‌دانند، برای مثال براساس عقاید آنها اگر اعراب به ایران حمله کردند این یک اتفاق طبیعی بود و باید به وقوع می‌پیوست، اگر مغول‌ها ایران را تحت اشغال خود قرار دادند آن رویداد نیز براساس یک نوع جبر و حادثه اتفاق افتاد و انسان‌ها براساس عوامل طبیعی مجبور به انجام آن بودند. براساس این رویکرد حاصل ایندنه نیز براساس چرخه طبیعت روی خواهد داد. اواد انسان‌ها به هیچ عنوان در ایجاد فرای دنیا دخیل نیست، این رویکرد اساساً معتقد به یک نوع جبر ذاتی است. از طرفی بعضی از صاحب نظران، نقاط عطف تاریخ را حاصل اعمال نخبگان می‌دانند. لزوماً این نقاط، نقاط عطف در جهت رشد و تحولات بشری نیست و می‌تواند از به رسالت رسیدن افراد بزرگ و یا حوادث خون‌باری که افرادی مانند چنگیز در ایجاد آن دخیل بوده‌اند، عنوان شود. براساس این دیدگاه عملاً این نخبگان هستند که تاریخ یک جامعه را می‌سازند و شخصیت کارزماتیک آنهاست که باعث به‌وجود آمدن تحولات می‌شود. به‌نظر این قشر از صاحب نظران عموماً جوامعی در ترمیم آینده موفق هستند که در تربیت نخبگان موفق‌ترند. رویکرد نظری دیگری هم در این حوزه وجود دارد که براساس این ایده است که تکلیف آینه‌اندازنده از ترمیم می‌کند و این موضوع به‌خصوص در جوامع و مکاتب نوین از طرفداران بیشتری برخوردار است. مکاتبی که مدعی دموکراسی و رأی‌گیری عمومی هستند و معتقدند که شهروندان هر جامعه هستند که رهبران جامعه را انتخاب می‌کنند و این رهبران هستند که آینه‌اندازنده را می‌کنند

در نگاه ادیان به‌خصوص دین اسلام، جهان دچار یک سیر خطی تاریخی است. سیری که با وجود حضرت آدم شروع شده و نسبت به ختم آن تفاوت دیدگاهی

نگاه فرهنگی

فراموش شود. بلکه حفظ عفت به هر دو جنس زن و مرد مربوط می‌شود. لازم است در معرفی الگوهای ارزشی در جامعه، در تبلیغات، در آثار ادبی و هنری نشان و منزلت انسانی زنان و حجاب مورد عنایت و توجه قرار گیرد. تبلیغ عفت و حجاب باید چنان باشد که خود موجب بدآموزی و اشاعه فحشا نشود. بدین معنا که باید مقتضیات سنی، روحی و فرهنگی مخاطبان را مورد توجه قرار داد.

توصیه و پند نصیحت، بدون تعلیم و تربیت، پوشش دینی و حجاب را به دستوری خشک و تحمیلی مبدل می‌سازد، ولی نصیحت همراه با معرفت، پذیرش هر موضوعی را آسان می‌کند. معرفت و انگیزه درونی به حجاب، ضامن اجرا و دوام آن است. آنگاه که پوشش دینی در محیط‌های اجتماعی و پس از پایان تحصیلات، به شکل فرهنگ درآید می‌تواند رسمیت علمی هم پیدا کند. در تربیت انسان، استندها از ابزار تشویق و تأیید و تحسین به‌عنوان اصلی محرک و سازنده همواره مورد تأکید دانشمندان بوده است، که می‌توان در ترویج فرهنگ حجاب نیز مورد بهره‌برداری قرار گیرد. احترام لازم و محسوس به بانوان با عفت و حجاب در جامعه سبب ترویج فرهنگ حجاب خواهد شد. اگر عفت بر روح کسی حاکم باشد، در رفتار و گفتار و نوع پوشش او تأثیر می‌گذارد که سود آن متوجه کل جامعه خواهد بود. البته ناگفته نماند تمام‌نهایی آن را نباید زنان بپردازند بلکه مردان نیز باید از هر نوع رفتار تحریک‌آمیزی خودداری کنند.

عفت و حجاب

دورانی که در آن زندگی می‌کنیم، دوره گذار از سنت به مدرنیته، نام‌گذاری شده است. در این دوره بسیاری از ارزش‌های ناب اخلاقی کمرنگ شده و در آنها تحولی به‌وجود آمده است؛ پژوهشگران معتقدند، برای برخی افراد این ارزش‌ها کهنه بوده و با استانداردهای جامعه مدرن که بر محور انسان‌محوری بنا شده ناسازگار است و همخوانی ندارد. هجوم گسترده رسانه‌های جمعی اعم از ماهواره اینترنت و شبکه‌های اجتماعی موجب شده تا تهاجم فرهنگی مهندسی شده وسیعی در جامعه ما رخ دهد که زمینه‌ساز بسیاری از ناهنجاری‌ها فراهم آورده و اجتماع را دچار چرخش هنجاری جدی و خطرناکی کرده است. به گونه‌ای که اگر زمانی رعایت نمادهای مذهبی در جامعه رایج بوده، هم‌اکنون برخی به دلایل مختلفی رعایت نشانه‌های مذهبی را کنار نهاده‌اند. این دگرگونی هنجاری و حتی هنجارشیزی در بین برخی بانوان آشکارا دیده می‌شود. ما بویسته درباره حجاب، مطالب مختلفی شنیده‌ایم ولی مسأله اصلی و بنیادین، عفت است.

حجاب همان پوشش ویژه و «عفت» یک خلصت و بیبش و منشی است. درحقیقت، استعمال لفظ «عفت» در مورد «حجاب» و پوشش از قبیل استعمال لفظ کل در بعضی از مصادیق آن است.

«به مومنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند و عفت خود را حفظ کنند این برای آنان پاکیزه‌تر است. خودنوازا آنچه انجام می‌دهید، آگاه‌است» (سوره نور، آیه ۲۰)

غیرتمدنی صحیح مردان تأثیر مهمی در بهبود عفت جامعه دارد. محبت باعث غیرت می‌شود. غیرت از محبت نشأت گرفته است و این محبت اقتضا می‌کند که انسان در محیط‌های که محبت در آن زیاد وجود دارد، در کنار آن غیرت داشته باشد. از این رو باید دقت کنیم غیرتمدنی ریشه دیگری نداشته باشد چون این احتمال هست که ریشه‌هایی از حسادت و لجاجتی را در قالب غیرت عرضه کرد بی‌شک تا این چنین غیرت‌نوریز، مخرب است.

عفت، یک خلصت، بیبش و منشی است. حجاب پوشش بیرونی است، ولی عفت پوشش درونی است. حجاب می‌تواند ریایی، تحمیلی، ظاهری یا غیراختیاری باشد؛ ولی عفت، یک خلصت و ارزش اخلاقی است. عفت نمودهای گوناگونی دارد؛ از جمله: عفت در نگاه، عفت در سخن، عفت در شهوت... ممکن است کسی حجاب مناسب داشته باشد ولی عفت در نگاه، سخن گفتن یا مور مناسبت نداشته باشد که این خود نمونه حجاب بدون عفت است. در نتیجه برای سالم‌سازی جامعه باید به دنبال عفت عمومی باشیم یا حجاب آگاهانه گسترش یابد.

جامعه را به خیر رهنمون می‌سازد. آیه یازدهم سوره بعد به روشنی این موضوع را تصریح می‌کند که «ان‌الله لا یغیر بقوم حتی یرجوهم و یرأسهم». «خداوند سر نرودت هیچ قوم را تغییر نخواهد داد مگر این که آن قوم خود اراده به تغییر داشته باشند. برای روشن‌تر شدن موضوع فرض کنید در یک بیابان تمام افراد جامعه را به صف بکشند. آیا جامعه تشکیل شده است؟ قاعدتاً نه! این جمع، مجموعه افراد می‌گوینم نه جامعه. چرا که هیچ یک از افراد جامعه نقش خود را ندارند. بنابراین هیچ هویتی برای آن صف قابل نمی‌شویم و برای راحتی می‌توان گفت که مجموعه انسان‌ها هویت زنده‌ای مانند یک موجود زنده دارند و از طرفی تک‌تک انسان‌ها نیز خود به‌عنوان یک موجود زنده، هویت مستقلی دارند. پس مجموعه روابط و عادت‌ها که در یک جامعه وجود دارد خود هویت جهان افراد را می‌سازد و از طرفی نقش تک‌تک افراد جامعه خود در این راه تأثیرگذار است؛ پس ما رهبر برای هدایت جامعه و تحول را برای افراد جامعه می‌خواهیم و این نکته نوعی حرکت و پویایی در جامعه را در مقابل استیانی نشان می‌دهند.

باین مقدمه چند سوال اساسی قابل طرح و بحث خواهد بود.

۱- مختصدها جهانی که به سمت آن در حرکتیم چیست و آیا برای خوبی‌های ملی حتی قابل تصور بود؟ به عبارت دیگر جهان ترمیمی که تشکیل شد دیگر حد یقینی برای آن قابل تصور است؟

۲- آثار علمی جامعه چه نقشی در ساخت آینده‌ای بهتر یا جهان فردا دارند و تفکرات و وظایف افراد مختلف چیست؟ آیا می‌توان حدود و تقویری برای افراد مختلف در جهت ساختن جامعه مطرح ساخت؟

۳- هویت جمعی جامعه چه نقشی در ساخت جهان فردا دارد؟

۴- نخبگان جامعه چگونه می‌توانند در ساخت جهان بهتر نقش ایفا کنند؟

۵- جرای نوین حس بهتر کردن جامعه و تلاش برای به فعلیت رساندن این نظریه چه نقشی در حیات جاری جامعه دارد؟

گپ روز

موانع توانمندسازی موسسات خیریه در گفت‌وگو با مریم میرزاانزاد، فعال مدنی

هم خیریه‌ها ضعف آموزشی دارند هم داوطلبان کار خیر

موسسات پتانسیل‌هایی وجود داشته باشد که وقتی فردی وارد این موسسات می‌شود در جایگاه و موقعیتی قرار بگیرد که احساس می‌کند، می‌تواند مفیدتر و موثرتر باشد. خیلی از خیریه‌ها هستند که شروع می‌کنند به تبلیغ کردن و دادن فراخوان با این مضمون که نیازهایی وجود دارد و از مردم می‌خواهند که در صورت تمایل کمک‌هایی داشته باشند. معمولاً در این فراخوان‌ها نیروهای مشتاقی را جذب می‌کنند اما از آن‌جا که خود این موسسات در سازماندهی خود ناتوان هستند مسئولیت‌ها را به موسسات خیریه‌ها بسپارد می‌شوند و این باعث سرخوردگی داوطلبان می‌شود.

یعنی شما اصل ناکارآمدی یا به بیان بهتر، کم‌کارایی موسسات خیریه در ایران را نه در عزم داوطلبان، بلکه در سازماندهی و تدوین روش‌های علمی کار می‌دانید، درست است؟

البته در جامعه ما آگاهی کافی و مناسب در مقوله داوطلبی هم وجود ندارد و معمولاً زمانی که داوطلبی وارد فعالیت‌هایی در زمینه داوطلبی می‌شود، نمی‌تواند موثر باشد و در مقابل هم موسساتی که با داوطلبان سروکار دارند به دلیل ناآگاهی‌هایی که دارند، نمی‌توانند کارکرد مناسب خود را داشته باشند. این یک وضع دو وجهی است. به‌عنوان نمونه حوزه‌ای که ما در آن فعالیت می‌کنیم حوزه آسیب‌هاست که حوزه بسیار حساسی است و اگر کسی آگاهی و تخصص لازم را نداشته باشد و ورودش هدفمند نباشد، می‌تواند تأثیر مخکوس بگذارد و بیش از این که حضور داوطلب کمک‌کننده و راهگشا باشد، می‌تواند به فرد آسیب‌دیده، آسیب برزند.

ظاهراً خلا آموزش در این حوزه هم خودش را بیش از پیش نشان می‌دهد...

بله دقیقاً، به‌نظر من در زمینه آموزش‌ها باید کارهای زیرساختی‌تری در سطح کلان جامعه انجام شود. شاید یکی از راهکارهای ارایه این آموزش‌ها این باشد که آموزش‌ها از مدارس آغاز شوند و فعالیت‌هایی خردی در بچه‌ها در مدارس انجام دهند. حتی می‌توانیم این آموزش‌ها را به سه‌گانه یعنی به مهدکودک ببریم. در این زمینه می‌توانیم، آموزش‌های گام به گامی به هر یک از شهروندان آرایه کنیم و به آنها بیاوریم که چطور می‌توانند در این زمینه‌ها کمک کنند و چگونه می‌شود که کمک‌های آنها برای جامعه مفید باشد.

از آنجایی که هم خود سمن‌ها، کار داوطلبانه را درست تعریف نمی‌کنند و هم این که داوطلبانی که می‌خواهند فعالیت‌هایی را انجام دهند، آگاهی و آموزش درستی ندارند، متأسفانه اتفاقی که باید بفتد نمی‌افتد. در تجربه عینی خود ما خیلی پیش آمده که خانواده‌هایی از قشر پایین جامعه نیاز به آموزش‌هایی داشته‌اند یا برای اوقات فراغتشان باید برنامه‌ریزی‌هایی می‌شد که اوادطلبانی آمده‌اند و فعالیت‌هایی برای این خانواده‌ها انجام داده‌اند که متأسفانه چون مسائل آنها درست شناخته نشده آسیب‌هایی را در پی داشته است. خیلی از سمن‌ها هستند که وارد محلات می‌شوند و مداخله آنها در آن‌جا به جای این که مداخله مثبت باشد تأثیر معکوس می‌گذارد. البته سمن‌های زیادی هم بوده‌اند که فعالیت‌هایی را در عرصه‌های مختلف آرایه کرده‌اند و خوشبختانه تأثیرات بسیار مثبتی هم به‌جا گذاشته‌اند. یکی از دلایل اصلی‌ای که باعث شده نتیجه کار این سمن‌ها مثبت باشد این است که این موسسات از بودجه‌های دولتی و دولتی‌ها بهره‌مندند. در این زمینه خود ما نیز یک تجربه عینی داشته‌ایم. از آن‌جا که موسسه ما

اوقات فراغتشان باید برنامه‌ریزی‌هایی می‌شد که اوادطلبانی آمده‌اند و فعالیت‌هایی برای این خانواده‌ها انجام داده‌اند که متأسفانه چون مسائل آنها درست شناخته نشده آسیب‌هایی را در پی داشته است. خیلی از سمن‌ها هستند که وارد محلات می‌شوند و مداخله آنها در آن‌جا به جای این که مداخله مثبت باشد تأثیر معکوس می‌گذارد. البته سمن‌های زیادی هم بوده‌اند که فعالیت‌هایی را در عرصه‌های مختلف آرایه کرده‌اند و خوشبختانه تأثیرات بسیار مثبتی هم به‌جا گذاشته‌اند. یکی از دلایل اصلی‌ای که باعث شده نتیجه کار این سمن‌ها مثبت باشد این است که این موسسات از بودجه‌های دولتی و دولتی‌ها بهره‌مندند. در این زمینه خود ما نیز یک تجربه عینی داشته‌ایم. از آن‌جا که موسسه ما

اوقات فراغتشان باید برنامه‌ریزی‌هایی می‌شد که اوادطلبانی آمده‌اند و فعالیت‌هایی برای این خانواده‌ها انجام داده‌اند که متأسفانه چون مسائل آنها درست شناخته نشده آسیب‌هایی را در پی داشته است. خیلی از سمن‌ها هستند که وارد محلات می‌شوند و مداخله آنها در آن‌جا به جای این که مداخله مثبت باشد تأثیر معکوس می‌گذارد. البته سمن‌های زیادی هم بوده‌اند که فعالیت‌هایی را در عرصه‌های مختلف آرایه کرده‌اند و خوشبختانه تأثیرات بسیار مثبتی هم به‌جا گذاشته‌اند. یکی از دلایل اصلی‌ای که باعث شده نتیجه کار این سمن‌ها مثبت باشد این است که این موسسات از بودجه‌های دولتی و دولتی‌ها بهره‌مندند. در این زمینه خود ما نیز یک تجربه عینی داشته‌ایم. از آن‌جا که موسسه ما

اوقات فراغتشان باید برنامه‌ریزی‌هایی می‌شد که اوادطلبانی آمده‌اند و فعالیت‌هایی برای این خانواده‌ها انجام داده‌اند که متأسفانه چون مسائل آنها درست شناخته نشده آسیب‌هایی را در پی داشته است. خیلی از سمن‌ها هستند که وارد محلات می‌شوند و مداخله آنها در آن‌جا به جای این که مداخله مثبت باشد تأثیر معکوس می‌گذارد. البته سمن‌های زیادی هم بوده‌اند که فعالیت‌هایی را در عرصه‌های مختلف آرایه کرده‌اند و خوشبختانه تأثیرات بسیار مثبتی هم به‌جا گذاشته‌اند. یکی از دلایل اصلی‌ای که باعث شده نتیجه کار این سمن‌ها مثبت باشد این است که این موسسات از بودجه‌های دولتی و دولتی‌ها بهره‌مندند. در این زمینه خود ما نیز یک تجربه عینی داشته‌ایم. از آن‌جا که موسسه ما

اوقات فراغتشان باید برنامه‌ریزی‌هایی می‌شد که اوادطلبانی آمده‌اند و فعالیت‌هایی برای این خانواده‌ها انجام داده‌اند که متأسفانه چون مسائل آنها درست شناخته نشده آسیب‌هایی را در پی داشته است. خیلی از سمن‌ها هستند که وارد محلات می‌شوند و مداخله آنها در آن‌جا به جای این که مداخله مثبت باشد تأثیر معکوس می‌گذارد. البته سمن‌های زیادی هم بوده‌اند که فعالیت‌هایی را در عرصه‌های مختلف آرایه کرده‌اند و خوشبختانه تأثیرات بسیار مثبتی هم به‌جا گذاشته‌اند. یکی از دلایل اصلی‌ای که باعث شده نتیجه کار این سمن‌ها مثبت باشد این است که این موسسات از بودجه‌های دولتی و دولتی‌ها بهره‌مندند. در این زمینه خود ما نیز یک تجربه عینی داشته‌ایم. از آن‌جا که موسسه ما

اوقات فراغتشان باید برنامه‌ریزی‌هایی می‌شد که اوادطلبانی آمده‌اند و فعالیت‌هایی برای این خانواده‌ها انجام داده‌اند که متأسفانه چون مسائل آنها درست شناخته نشده آسیب‌هایی را در پی داشته است. خیلی از سمن‌ها هستند که وارد محلات می‌شوند و مداخله آنها در آن‌جا به جای این که مداخله مثبت باشد تأثیر معکوس می‌گذارد. البته سمن‌های زیادی هم بوده‌اند که فعالیت‌هایی را در عرصه‌های مختلف آرایه کرده‌اند و خوشبختانه تأثیرات بسیار مثبتی هم به‌جا گذاشته‌اند. یکی از دلایل اصلی‌ای که باعث شده نتیجه کار این سمن‌ها مثبت باشد این است که این موسسات از بودجه‌های دولتی و دولتی‌ها بهره‌مندند. در این زمینه خود ما نیز یک تجربه عینی داشته‌ایم. از آن‌جا که موسسه ما



مریم میرزاانزاد